

ماهنامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

## تلگراف کمیته مرکزی حزب توده ایران

به کورت والد هایم دبیر کل سازمان ملل متفق

بنام طبقه کارگر ایران علیه قتل، بازداشت خودسرانه و شکنجه میهن پرستان و دموکرات های شیلی از جانب خونخوار نظامی فاشیست این کشور با شدت تمام اعتراض میکنیم و مداخله شما و کمیسیون حقوق بشر را برای آزادی هزاران بازداشت شده و حفظ جان سناتور لوئیس کور والان و دیگر رهبران احزاب دمکراتیک شیلی خواستاریم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران - دبیر اول - ایرج اسکندری

## اظهارات رفیق لوئیس کوروالان

دبیر کل حزب کمونیست شیلی  
در یک ملاقات کوتاه به مخبر امریکائی ویلیام ف. نیکلس  
روز پنجم اکتبر ۱۹۷۳ در زندان  
« من بسیار آرامم، آزادی را دوست دارم، زندگی را دوست

دارم ولی از مرگ نمی ترسم، زیرا در راه حق مبارزه میکنم. نمیدانم با من چه خواهد شد، وکیل دادگستری نیستم و بخصوص از مقررات دادگاه نظامی خبری ندارم ولی شاید حق داشتن وکیل را بدست آورم. وجدان من کاملاً آرام است. همه جهانپایان میدانند که ما سازمانده یک انقلاب بدون قهر بوده ایم و اسلحه ای در این انقلاب بکار نبرده ایم. ما باور داشتیم که در سال ۱۹۷۰ احراز پیروزی در انتخابات ممکن است. بسیاری کسان باور نداشتند ولی ما باور داشتیم و در این باور خود ذیحق بودیم. بعدها آنچه که در طاقت داشتیم کردیم تا در این

کشور تحولاتی روی دهد. من از وجود یک نقشه ادعائی برای محو ارتش و قتل سیاستمداران و خانواده هایشان و از میان بردن افسران که تحت آنرا بما میزنند ایداً خبری ندارم. اگر چنین نقشه ای بوده من در باره آن کوچکترین اطلاعی ندارم و اطلاعی نمی توانم بدهم و چنین نقشه هایی برای من کراهت آور است. (بنا باطلاع خبر گزار امریکائی آوستیاد پرس)



زنده باد پنجاه و ششمین سالروز

## انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

شاد باش کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز!  
در این روز خجسته که خلق قهرمان شوروی با تفاق تمام نیروهای انقلابی و ترقیخواه جهان پنجاه و ششمین سالروز انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را برگزار میکنند، کمیته مرکزی حزب توده ایران با احساس نهایت خرسندی بهترین شاد باشها و صمیمانه ترین آرزوهای خود را بشما و توسط شما بنام کمونیستها و تمام خلق پیروزمند شوروی تقدیم میدارد.

پنجاه و ششمین سالروز اکتبر بزرگ در محبطی برگزار میشود که تحقق برنامه با عظمت صلح مصوبه کنگره تاریخی ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی به کامیابهای چشمگیر نائل آمده است و در سالم سازی محط مناسبات بین المللی و تأمین صلح و جهانی نقش مؤثر و بسیج کننده ایفا میکند.

اتحاد شوروی تحت رهبری پيشاهنگ پر افتخار خود - حزب لنین کبیر و کمیته مرکزی لنینی آن و به نیروی قهرمانی و از خود گذشتگی بی نظیر تمام زحمتکشان اتحاد شوروی طی دوران تاریخی کوتاهی در کلبه شتون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی به دستاورد های اعجاب آور رسید و اکنون

دنباله در صفحه ۲

## پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به همه

خلق های عربی، به همه نیروهای ترقیخواه کشورهای عربی

برادران، دوستان عزیز!  
در این هنگام که خلقهای عرب برای دفاع از حقوق حقه خویش و برای آزاد کردن سرزمینهای اشغال شده عربی بیک جهاد مقدس علیه تجاوزگران اسرائیل و حامیان امپریالیستی آنها با مردانگی شایان تحسین دست زده اند، حزب توده ایران از جانب خود و از جانب همه مردم ایران بشما با گرمی درود میفرستد.

تجاوزگران اسرائیل و حامیان امپریالیست آنها تصور میکردند که با تکیه زور - گوتی صرف میتوانند سرزمینهای اشغالی عرب را برای ابد در ید تصرف خویش نگاه دارند، حقوق حقه خلق فلسطین را پایمال کنند، به مصوبات شورای امنیت و سازمان ملل متحد بی اعتناء باشند، افکار عمومی جهان

را بسخره گیرند، ولی خلقهای عرب و در پیشاپیش آنها خلقهای متحد مصر و سوریه نشان دادند که این تصورات خیالات خامی است و تجاوزگر اسرائیلی در مقابل عمل تجاوز گرانه و جنایات بیحد و حصر خود علیه مردم عرب کیفری بسزا می بیند. ارتش های متحد عرب در جبهه سینا و جولان ضربات نیرومند بر ارتش تجاوزگر اسرائیل وارد ساختند و میسازند و افسانه شکست ناپذیری اسرائیل را هم اکنون به هیچ وجه مبدل کرده اند.

خلق های عرب در این نبرد مقدس و عادلانه خود مورد حمایت کشورهای سوسیالیستی و همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی جهان هستند. بویژه اتحاد شوروی با کمک

دنباله در صفحه ۳

## نامه رفیق ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران

به هیئت تحریریه ماهنامه مردم

کردام که بقرار دعوی نویسنده میان آقای مظفر فیروز و سه وزیر حزب توده ایران (در کابینه دوم قوام) وقوع یافته و در نتیجه « این توطئه » گویا سر لشکر رزم آرا بریاست ستاد ارتش منصوب گردیده است تا زمینهای کودتائی « بنا بنقشه مظفر فیروز » فراهم گردد.

در شماره ۹۴ همین مجله مورخ ۲۳ - ۲۷ مرداد ۱۳۵۲ نویسنده مرا باین متهم نموده است که « در کمیته ای با شرکت فیروز و پیشه وری و رضا روستا » متفقاً « نقشه انقلاب سرخ » را مطرح ساخته ایم. بدو لازم میدانم هم نقل قولی که از اینجانب بااستناد گفته « یکی از دوستان » جناب نویسنده شده است و هم ادعای مربوط بشرکت در کمیته باصطلاح انقلاب سرخ را صریحاً و جزماً تکذیب کنم و رسماً اعلام دارم که هیچگاه اینجانب در چنان جلساتی که نویسنده مقاله ادعا کرده است شرکت نداشته ام.

برای اینکه صرفاً به تکذیب اکتفا نداشته باشم و بی پارگی این داستانهای سراسر دروغ روشن گردد همینقدر کافی است که نویسنده « از ملاقات و گفته گوتی صحبت

رفقای عزیز!  
چنانکه اطلاع دارید اخیراً مجله خواندنیها طی چند شماره متوالی مقالاتی بامضاء ابوالفضل قاسمی تحت عنوان « خواندگان های حکومتگر ایران » منتشر ساخته که ضمن آن بدروغ، مطالبی نیز از قول اینجانب نقل شده است.

یک مطالعه اجمالی منشأ « سازمانی » و هدفهای « امنیتی » این سلسله مقالات را که پر از قلب واقعات تاریخی و افسانه سرافجهای مبتدل پلیسی است آشکار میسازد. بهمین جهت نیازی هم به بحث در باره محتویات آن نیست. ولی چون نویسنده مقاله یکبار بنقل قولی از اینجانب استناد کرده و یکبار دیگر مرا مستقیماً مورد اتهام قرار داده است لازم میدانم برای رفع هر گونه ابهام بدینوسیله چند کلمه ای در باره این دو مورد متذکر شده، از آن رفقای ارجمند تقاضا کنم که در نخستین شماره نوبتی روزنامه مردم درج فرمائید.

در شماره ۹۳ مجله خواندنیها مورخ ۲۰ - ۲۳ مردادماه ۱۳۵۲ ادعا شده است که گویا من در پاریس « یکی از دوستان نویسنده » از ملاقات و گفته گوتی صحبت

# دولت ایران خود عامل اصلی گرانی است

گرانی باز در ایران بیداد میکند. در سه سال اخیر، پس از دورانی که دولت افزایش قیمت‌ها را در «حد معقول» و ناشی از رشد سریع اقتصاد اعلام میکرد، گرانی بعدی رسید که باز دولت به اعتراف و چاره جوئی ناگزیر شد. دولت ایران علل اصلی گرانی را پیوسته برده پوشی میکند. زمانی آنرا نتیجه خشکسالی، زمانی معلول فعالیت دلال‌ها و واسطه‌ها، گاه ناشی از گران فروشی دکانداران و گاه ره آورد طبیعی رشد جلوه میدهد. این بار نیز محافل اقتصادی کشور میگویند افزایش غیرقابل تحمل قیمت‌ها را نتیجه «تشدید فشار تورم بین المللی بر اقتصاد داخلی» و «افزایش بی رویه و ناهنجار قیمت‌های بین المللی» قلمداد کنند. شاه در مراسم گشایش مجلسین بر این ادعای کار گزاران دولتی خود صحه می‌گذارد و میگوید «در حال حاضر تورم فوق العاده‌ای از خارج به کشور ما تحمیل میشود».

شاه برای اثبات این دعوی میگوید که قیمت کالا‌های وارداتی نظیر گندم، شکر، سیمان، پشم، آهن آلات، روغن نباتی، الیاف مصنوعی، پوست و چرم و مواد لاستیکی در بازار خارجی در دو سال اخیر از ۲۰۰ تا ۴۰۰ درصد بالا رفته و موجبات گرانی را در ایران فراهم کرده است. استناد به افزایش قیمت این نوع کالاها در بازار جهانی که شاه می‌خواهد آنرا بمثابه بگانه

عامل گرانی در ایران جلوه دهد و بدینوسبیل گناه را به گردن بازار جهانی بیندازد، خود محکوم کننده رژیم ایران است. زیرا تمام اینها کالا‌هایی هستند که یا ایران خود صادر کننده مواد اولیه آنها است و یا تمام شرایط لازم برای تولید آنها در داخل کشور وجود دارد. فقط در نتیجه سیاست اقتصادی غلط و تحمیل هزینه‌های نظامی سرسام آور و مخارج بی بند و بار دولت و غارتگری‌های امپریالیستی است که ایران پس از یک ربع قرن برنامه ریزی و اجرای چندین نقشه هفت ساله و پنجساله و با وجود تمام تبلیغات رژیم در باره رشد معجزه آسای اقتصادی هنوز باید قند و شکر و سیمان و الیاف مصنوعی و این قبیل کالاها را از خارج وارد کشور کند. درباره تأثیر منفی افزایش قیمت‌های کالا‌های وارداتی و تشدید تورم در کشور های پیشرفته سرمایه داری بر سطح قیمت‌ها در ایران باید گفت، اولاً، مسئولیت اصلی در این مورد به عهده خود دولت ایران است که با وابسته کردن اقتصاد کشور به اقتصاد کشورهای امپریالیستی راه را بر این عامل منفی هموار کرده است. ثانیاً تشدید تورم و بالنتیجه تشدید گرانی را در ایران در ۲-۳ سال اخیر منحصر معلول تشدید تورم در کشور های غرب دانستن، نادرست است. این کار بمنظور برده پوشی علل اصلی گرانی در ایران و فریب افکار عمومی انجام میگردد. دولت که تاکنون برای مبارزه با گرانی به

وارد کردن کالا از خارج متوسل میشد، اینک ورود کالا‌های خارجی را عامل اصلی گرانی در ایران جلوه میدهد. آمار رسمی نشان میدهد که قیمت «کالا‌های تولید و مصرف شده در کشور» تقریباً همیشه از قیمت «کالا‌های وارده به کشور» سریعتر افزایش یافته است. مثلاً در سال ۱۳۴۹ قیمت عمده فروشی کالا‌های تولید شده در داخل کشور ۳۹ درصد و کالا‌های وارداتی ۱۲ درصد افزایش داشت و یا در سال ۱۳۵۰ این شاخص به ترتیب ۷۸ و ۴۱ درصد بود. بعلاوه افزایش سریع قیمت‌ها در ایران در ۲-۳ سال اخیر بخصوص در زمانی انجام گرفت که در نتیجه مبارزات اوپک برای کاستن از اثرات منفی کاهش ارزش دلار و جبران (ولو محدود) گرانی کالا‌های وارداتی اقدامات معین به انحصارات نفتی تحمیل گردید. در ظرف این مدت بهای اعلان شده نفت به علت کاهش ارزش دلار چند بار افزایش یافت و برای جبران افزایش قیمت کالا‌های وارداتی همه ساله ۲۵ درصد به قیمت اعلان شده نفت افزوده میشود. کاهش ارزش برابری دلار به ریال به میزان ۱۱ درصد در اواخر سال ۱۳۵۱ میتوانست در کاهش قیمت کالا‌های وارداتی تأثیر محسوس داشته باشد. رئیس کل بانک مرکزی ایران پس از این اقدام دولت رسماً اعلام کرد که «اثر تصمیم دولت بر واردات بطور مطلق مثبت است».

ما بدون آنکه تأثیر این عامل خارجی و سایر عوامل از جمله سود جوئی تولید کنندگان و بازرگانان و دلالان و غیره را منکر شویم، سیاست اقتصادی و مالی نادرست خود دولت را عامل عمده گرانی در ایران میدانیم. دولت ایران با سیاست نادرست خود از طرفی مانع رشد سریع و هماهنگ گسترده‌های تولیدی و از جمله تولید کالا‌های مصرف عمومی موافق نیازمندی‌های واقعی کشور میگردد و از طرف دیگر با هزینه‌های اداری و غیر مولد و سیاست اعتباراتی و مالی و پولی خود تعادل در عرصه گردش پول و کالا را بر هم میزند. تقریباً سالی نیست که بودجه دولت ایران «بودجه تورمی» اعلام نشود. باین ارقام توجه کنید: هزینه‌های جاری دولت از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۰ در حدود ۷۸ درصد افزایش یافت، به مالیات‌های غیر مستقیم که تأثیر مستقیم بر قیمت‌ها دارد، از سال ۱۳۴۷ تا پایان سال ۱۳۵۱ با اندازه ۷۴ درصد افزوده شد، اعتبارات بخش دولتی در همین مدت تقریباً ۵۰ برابر شد، اسکناس در جریان از سال ۱۳۴۷ تا مرداد ۱۳۵۲ تقریباً دو برابر گردید، ولی تولید ناخالص ملی در این مدت حد اکثر ۵۰ درصد رشد داشته است. در چنین شرایطی یعنی با وجود سیاست اقتصادی و مالی و پولی تورم زای دولت، افزایش قیمت‌ها و تحمیل به سطح زندگی توده زحمتکش امری اجتناب ناپذیر است. دولت خود عامل عمده تورم و گرانی در کشور است. مسعود

پنججاه و ششمین سالگرد

## انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

برای ساختمان دامنه‌دار کمونسم بنیاد مادی و فنی پدید می‌آورد.

در پرتو این دستاورد‌ها سوسیالیسم جهانی نیروی روز افزون کسب میکند و به عامل قاطع پروسه انقلابی جهان بدل میگردد، در زندگی ملل دیگر گونیهایی سیاسی - اجتماعی بنیادی صورت میگردد و جنبش آزادی بخش ملی و تمام جبهه ضد امپریالیستی در پیکار علیه تجاوز کاری امپریالیسم، ستم و استثمار سرمایه داری، آزادی و استقلال ملی به پیروزیهای بیش از پیش دست می‌یابد.

اتحاد شوروی وفادار به اصول لنینی انترناسیونالیسم پرولتری همواره به مبارزه آزادیبخش خلقها باری رسانده است. در سراسر جهان هیچ جنبش آزادیبخش ملی و استقلال طلبانه‌ای را نمیتوان یافت که از کمک‌های مؤثر و قاطع اتحاد شوروی بر خوردار نباشد. نمونه درخشان آن کمکهای مادی و معنوی عظیم انترناسیونالیستی به خلق قهرمان و پشیمان بود که در تأمین پیروزی جنبش آزادیبخش و پشیمان علیه امپریالیسم امریکائیش مؤثر ایفا کرد. هم اکنون اتحاد شوروی از پیکار عادلانه خلقهای عرب علیه تجاوز اسرائیل و صهیونیسم جهانی و حامیان امپریالیستی آنان پشتیبانی بی‌دریغ بعمل می‌آورد و کمکهای مادی و معنوی عظیم و اثر بخش با آنان مبدول میدارد و بدینسان سیاستگراری و احترام عمیق سراسر جامعه ترقیخواه بشری را بیش از پیش بسوی خود جلب میکند.

زادگاه لنین بزرگ - امروز نیز مانند نخستین روزهای انقلاب درفش لنینی نوسازی انقلابی جهان را بر افراشته و برای تمام خلقها راهنمون آینده بهتر، دوست وفادار و تکیه گاه محکم مبارزه ضد امپریالیستی و نظام استثمار و در راه آزادی، استقلال ملی و عدالت اجتماعی است.

اتحاد شوروی از نخستین روزهای پیدایش خود با کمکهای مشخص و مؤثر بر مردم ایران دوستی بی شائبه خود را با آنان و پشتیبانی بی‌دریغ خود را از آزادی و استقلال سیاسی و اقتصادی ایران به ثبوت رسانید. بی جهت نیست که توده‌های زحمتکش و تمام مهن پرستان اصیل و ترقیخواهان ایران اتحاد شوروی را دوست کبیر و وفادارترین و مطمئن ترین پشتیبان خود در مبارزه علیه امپریالیسم و در راه تحکیم استقلال ملی، حفظ امنیت و پیشرفت اجتماعی مهن خویش می‌شمارند.

رفقای عزیز! در این جشن نشاط بخش زحمتکشان سراسر جهان، کامیابهای هر چه بیشتری را برای خانواده بزرگ کبیر المله خلقهای شوروی در مبارزه بخاطر پیروزی آرمانهای سترگ اکتبر، ساختمان کمونسم، در راه صلح، امنیت بین المللی و پیشرفت اجتماعی در سراسر گیتی آرزو مندیم. کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول - ایرج اسکندری

## دروغ و گرافه یکی از حربه های

### اساسی تبلیغاتی رژیم است

و اتحاد شوروی است. از حزب توده ایران تحت عنوان «توده ایهای بی وطن!» یاد میکنند و این عنوانی است که شاه در کنگره باصطلاح ملی به حزب ما داده است و اکنون روشنفکران مرتد و خود فروش که در خدمت دربار قرار گرفته اند هر روزه در رادیوی تهران آنرا تکرار میکنند. از اتحاد شوروی بعنوان «استعمار سرخ» یا صرفاً «استعمار» یاد میکنند. رژیم که فشار نیرومند واژه‌های پر محتوی، بیدار کننده و بسیج کننده ای از قبیل «انقلاب»، «دمو کراسی»، «خلق»، «مقتضیات جبری تکامل تاریخی»، «استعمار»، «ارتجاع» و غیره و غیره را سالها احساس میکرد و بخود می‌پیچیده است، مدتی است که در صدد بر آمدن نا همه این واژه‌ها بر یکجا «تصرف کند» و آنها را در خدمت خود بگذارد! لذا در حالیکه، بقول شاه، استعمار بمعنای واقعی آن دیگر افسانه ای بیش نیست، «استعمار سرخ» در وجود کشور های سوسیالیستی تجدید حیات میکند یا حال که خود وجود مبارکشان «رهبر انقلاب» شده‌اند، لذا «توده ایهای بی وطن!» همه اشان دیگر مرتجع هستند و طبیعی است که در خدمت استعمار هم قرار گرفته اند! معنای این طرز عمل چیست؟ معنایش آنست که شاه و دستگاه تبلیغاتی او تصور میکنند که آنها هر چه گستاختر باشند بهمان اندازه تاریخ در مقابل آنها بیشتر جا میزند و بهتر کوچ می‌دهد تا این باند راهزنان خون آشام بی درد سرترب بگذرند. ولی این اشتباه است! سخن حکمت آمیز معروفی است که چند نفر را میتوان تمام عمر فریفت و یا را تا مدتی فریب داد، ولی همه را همیشه نمیتوان فریب داد.

ا. س.

## پنج جزوه «سرمایه»

### در یک جلد انتشار یافت

بها معادل ۱۵ مارک آلمان غربی

## رادیو پیک ایران را

### بشنوید!

رادیو پیک ایران همه روزه از ساعت ۶ تا ۷ و ۵۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ریف ۲۵، ۲۶ و ۳۱ متر بزرگهای کردی، آذربایجانی و فارسی برنامه پخش میکند. عین همین برنامه از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه تا ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران مجدداً تکرار میگردد. رادیو پیک ایران را بشنوید و شنیدن آنرا به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید.

### پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

همه جانبه و نیرومند خود نقش فوق العاده بزرگی در دفاع از حقوق کشور های عربی ایفاء میکند. اسرائیل تجاوزکار کاملاً منفرد شده است و پایان نامحمود سیاست اشغال گرانه و توسعه جویانه وی از هم اکنون آشکار است، و حمایت ها را امپریالیست امریکا قادر نیست وی را از این پایان نامحمود خلاص کند. مردم ایران پیوسته بمبارزه بحق خلق های عرب علیه امپریالیسم و صهیونیسم با دیده علاقه فراوان نگریده اند و در تمام فراز و نشیب این پیکار دشوار و طولانی علیه تجاوزگری اسرائیل با احساسات برادران عرب با صمیمیت و شور بی پایان همراه بوده اند. در مقابل فشار افکار عمومی و اراده روشن مردم ایران بدفاع از برادران عرب، محافل ارتجاعی حاکمه ایران، علیرغم نیات و عمل واقعی خود، هرگز جرأت نکرده اند از جهت سیاسی آشکارا درجهت تجاوزگران اسرائیل و امپریالیستی آن موضعگیری کنند و بناچار ولو درلفظ با اجراء قطعنامه شورای امنیت مورخ نوامبر ۱۹۶۷ موافقت کرده اند ولی هیئت حاکمه ایران با دست زدن بانواع تحریکات و تجاوزات علیه جنبش رهایی بخش خلقهای عرب و با همکاریهای گوناگون با امپریالیسم و صهیونیسم چهره حقیقی و نیات واقعی خود را بارها نشان داده است. حزب توده ایران پیوسته روش دورویانه و ناپیگیر و سیاست ارتجاعی هیئت حاکمه ایران را در مورد مبارزه بحق خلقهای عرب افشا کرده و میکند. روشن است که مردم ایران هرگونه سیاستی را که جز در جهت دفاع پیگیر از حقوق حقه برادران عرب باشد بشدت تقبیح و محکوم میکنند.

برادران عزیز! حزب توده ایران مطمئن است که نبرد خلقهای عرب علیه تجاوزگران اسرائیل و حامیان امپریالیستی وی که مورد حمایت بشریت ترقیخواه است سرانجام پیروز خواهد شد و این پیروزی نه تنها اجراء يك عدالت بزرگ تاریخی است بلکه گامی است بزرگ در راه تحکیم صلح جهان و پیشرفت امنیت بین المللی و شکست تازه است برای صهیونیسم و امپریالیسم، ارتجاع و جنگ.

بدینجهت ما از صمیم قلب به سربازان دلاور عرب که اکنون خون خود را در میدانهای نبرد علیه تجاوزگر نثار میکنند درود میفرستیم و پیروزی درخشان آنان را آرزو مندیم و خواستاریم که مفاد قطعنامه شماره ۲۴۲ شورای امنیت مورخ نوامبر ۱۹۶۷ اجراء گردد و صلح عادلانه و پایدار در خاور میانه برقرار شود. ما در شرایط کنونی که تناسب قوا بسود صهیونیسم، صلح و نهضت های مترقی و بزبان امپریالیسم و عمالش تغییر کرده است به پیروزی امر عادلانه خلق های عرب ایمان و اعتقاد راسخ داریم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران ۲۴ مهر ماه ۱۳۵۲

### نامه رفیق ایرج اسکندری به هیئت تحریریه ماهنامه مردم

تاریخ رویداد ها را با آنچه که ذکر شده است مقایسه کنیم. نظر باینکه نویسنده سلسله مقالات، خواه از روی بی اطلاعی و خواه بمنظور اشتباه کاری، بجای تاریخ ایرانی صلاح دیده است که از تقویم فرنگی استفاده کند من نیز برای تسهیل امر مقایسه رویدادها را طبق تاریخ اروپائی میآورم.

ظاهراً نویسنده مقاله، تاریخ انتصاب سرلشگر رزم آرا بریاست ستاد ارتش را از يك منبع انگلیسی یا امریکائی بدست آورده است زیرا مینویسد: «رزم آرا در جولای ۱۹۴۸ !! رئیس ستاد ارتش ایران شد».

اگر تاریخی را که نویسنده مقاله برای انتصاب رزم آرا ذکر کرده است صحیح فرض کنیم ( امری که مطلقاً با واقعیت تطبیق ندارد )، آنگاه مؤلف سلسله مقالات باید توضیح دهد چگونه سه وزیر حزب توده ایران که در ۱۶ اکتبر ۱۹۴۶ یعنی دو سال پیش از این تاریخ بدستور کمیته مرکزی حزب توده ایران از وزارت کناره گیری کرده اند، با مظفر فیروز، ( که وی نیز فردای همانروز در اثر استعفای قوام، از ترکیب کابینه سوم قوام السلطنه خارج مانده است ) پس از پایان جلسه هیئت دولت « در باره کوشش بمنظور انتصاب رزم آرا بریاست ارتش بدانرا که پرداخته اند! این امر مسلم است که آقای مظفر فیروز در نوامبر ۱۹۴۶

بسمت سفیر کبیر دولت ایران بمسکو رفته است و اینجانب نیز در دسامبر همان سال بفرانسه عزیمت نموده ام. بنا بر این معلوم نیست این جلسه ادعائی که دو نفر از شرکت کنندگان آن در تاریخ مورد استناد یکی در مسکو و دیگری در پاریس بوده چگونه آنهم « در اطاق کار مظفر فیروز » در تهران تشکیل یافته است.

اما واقعیت این است که رزم آرا تقریباً یکماه پیش از آنکه اعضای حزب توده ایران و مظفر فیروز در کابینه دوم قوام شرکت یابند یعنی در پایان ژوئن یا آغاز ماه ژوئیه ۱۹۴۶ بریاست ستاد ارتش منصوب شده است، و لذا مواضعی ادعائی « بین سه وزیر حزب توده و مظفر فیروز » که بدینصریح نویسنده مقاله بمنظور کوشش در انتصاب کسی بعمل آمده که خود قبلاً شاغل همان مقام بوده است لااقل با منطق عادی تباین پیدا میکند.

نقش فعالی که رزم آرا در مواضع با سران عشایر فارس علیه وزراء حزب توده ایران و در تنظیم حملات و هجومهای حشیانه بسازمانهای حزب ما ایفا نموده است امری که مورد اعتراف نویسنده مقاله نیز است ( بخودی خود حتی تصور مبادرت بچنین قدمی را از طرف نمایندگان حزب توده ایران

مردم: علاوه بر سند فوق در تاریخ ۱۶-۵۲ بلافاصله پس از آغاز تصادم جنگی در خبر میانه کمیته مرکزی حزب توده ایران طبق اعلامیه ای که در رادیوی پیک ایران پخش شد موضع روی خود را در دفاع از حقوق حقه خلقهای عرب علیه اسرائیل اعلام داشت.

منتفی میسازد.

آنچه لااقل، کمال بی اطلاعی مقاله نویس را نشان میدهد اینست که وی گمان میرسد با ترمیم کابینه دوم قوام فقط سه وزیر توده ای از ترکیب دولت کنار رفته اند و لذا مینویسد: « قوام به بیکبار متوجه وخامت اوضاع مگردد ناگزیر تسلیم پیشنهادات سران نهضت جنوب میشود. کاری که میکند ترمیم کابینه و بیرون گذاشتن سه وزیر کمونیست از دولت بود. حال تنها قدرتی که از کمونیستها! در دولت باقی مانده بود مظفر فیروز و رزم آرا بود ( واقعاً زهی بررسی تاریخی )، که هر کدام با زیرکی خاص خود میخواست از موقعیت دیگری استفاده کند » ( شماره ۹۴ خواندنیها صفحه ۲۰ ). ظاهراً بعرض جناب نویسنده نرسیده است که قوام با استعفای خود و تشکیل مجدد کابینه علاوه بر سه وزیر حزب توده ایران آقای الله یار صالح ( حزب ایران ) و مظفر فیروز را از ترکیب دولت خارج ساخت و ریاست ستاد ارتش هم جزئی از ترکیب هیئت وزیران بشمار نمیروید.

در پرتو همین مقایسه رویدادها میتوان به بقیه جعلیات سلسله مقالات آقای ابوالفضل قاسمی و از جمله داستان دیگری که در شماره ۹۴ خواندنیها تحت عنوان « نقشه انقلاب سرخ » مرقوم فرموده اند بی برد.

در واقع این آسمان و زمینانی که در

مورد تشکیل کمیته باصطلاح انقلاب سرخ بهم بافته شده است، بهچوجه در چهارچوب زمان و مکان حوادث مورد استفاده نویسنده مقاله نمیگنجد، زیرا وی آنرا بوقایع بعد از ترمیم کابینه دوم قوام مربوط میسازد و بنا بر این کمیته ادعائی نویسنده میبایستی منطقی در فاصله بین ترمیم کابینه قوام و عزیمت مظفر فیروز بمسکو یعنی بین ۱۷ اکتبر و اواخر ماه نوامبر ۱۹۴۶ تشکیل شده باشد. مقاله نگار مدعی است که گویا آنچه وی « نقشه انقلاب سرخ » مینامد « در کمیته ای با شرکت فیروز و پیشه وری و رضا روستا و ایرج اسکندری طرح شده است ». ولی فاکتها نشان میدهند که تشکیل چنین کمیته ای هم در تهران و هم در آذربایجان در این فاصله زمانی غیر ممکن بود. زیرا همه کس میدانند که پیشه وری فقط در ماه ژوئن ۱۹۴۶ بنا به دعوت قوام یکبار برای منا کره به تهران آمد و پس از چند روز به تبریز بازگشت و از آن تاریخ بعد هیچگاه به تهران مراجعت نمود. از سوی دیگر مسلم است که هیچیک از دیگر شرکت کنندگان مورد ادعای نویسنده مقاله نه جمعاً و نه انفراداً در این فاصله به آذربایجان نرفته اند. هجوم نیروهای دولتی به آذربایجان در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ ( ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ ) انجام یافته و تقریباً یکماه پیش از آن نیز آقای مظفر فیروز به مسکو عزیمت نموده است. بنا بر مراتب فوق تشکیل چنین کمیته ای هم تاریخیاً و هم عملاً منتفی است.

نویسنده مقاله که برای اثبات ادعای

خود به « کشف اسناد و اوراق از خانه رضا روستا » استناد میکند، بهتر از هر کس میداند که اگر واقعاً چنین اسنادی وجود میداشت سازمان امنیت و دستگاه تبلیغاتی رژیم که هر روز بوسائل مستقیم و غیر مستقیم داستانی برای حزب توده ایران و اعضاء رهبری آن میسازند و طی سالهای اخیر هزار ها صفحه تحت عنوان « خاطرات و یادداشت های » این و آن علیه حزب ما جعل کرده و میکنند، يك آنهم برای انتشار آن باصطلاح اسناد و مدارک « مکشوفه » درنگ روا نمیداشتند.

جاعلین این افسانه های پلیسی و از جمله نگارنده سلسله مقالات « خاندانهای حکومتگر ایران » که در بناد حکومت ترور و اختناق میدان را از « اغیار » خالی می بینند با کی از آن ندارند که برای تبلیغات ضد توده ای و ضد شوروی خود حتی در وقایع مهم جنگ دوم جهانی و زندگی رجال سیاسی آن دوران تصرف کنند.

نظری به دنباله همین مقاله ( شماره ۹۴ خواندنیها ) نشان میدهد که جناب مقاله نگار حتی مرگ روزولت رئیس جمهور اسبق امریکا را تا نوامبر ۱۹۴۶ یعنی تقریباً یکسال و نیم بتأخیر انداخته است تا بتواند بمداخلات امپریالیسم امریکا در سرکوب جنبش دمکراتیک مردم ایران جنبه « محبوب و بشر دوستانه » بدهد.

چنین است « بررسیهای تاریخی » این یادوان « خاندان حکومتگر » رژیم کنونی ایران. شایان ذکر است که توضیحات ما در اینجا صرفاً برای رد استنادات و اتهاماتی است که نویسنده « خاندانهای حکومتگر ایران » به حزب ما و اعضاء آن وارد ساخته است و ما در این نوشته در مورد مسائل دیگری که با تاریخ حزب ما و فعالیت اعضاء آن تماسی ندارد وارد نشده ایم. نوشته های ابوالفضل قاسمی در باره مسائل مربوط به تاریخ حزب ما که بر پایه بی مسئولیتی و صرفاً بقصد اتهام زنی نوشته شده است مشتقی است از خروار واقفان ما از جعلیات این نوشته در واقع نمونه ای از سفسطه و جعل نوشته های باصطلاح « تحقیقی » ملغان رژیم را درباره مسائل مربوط به تاریخ حزب بدست میدهد. « تو خود جدید مفصل بخوان از این مجمل »

ایرج اسکندری ۱۳ اکتبر ۱۹۷۳

دنباله از صفحه ۱

ماهنامه مردم

در « کوی آزادی ملت ها »

شخصیتهای سرشناس فرانسه، مهمانان خارجی و همه قشرهای زحمتکش فرانسه در پای ورقه اعتراض به رژیم استبدادی ایران گذارده شد. یازدید کنندگان همچنین برای کمک به زندانیان سیاسی ایران داوطلبانه پول پرداختند.

ماهنامه مردم میکوشد تا با شرکت خود در جشن اومانیته افکار عمومی مردم فرانسه و جهان را باحقانق ایران هر چه بیشتر آشنا

## دروغ و گزافه یگی از حربه های اساسی تبلیغاتی رژیم است

معروف است که گبلس وزیر تبلیغات هتلر بر آن بود که در کار تبلیغات، دروغ هرچه بزرگتر و گستاخانه تر باشد، مؤثر تر است، زیرا کمتر کسی جرأت میکند در برابر آن که نمیتوان حتی تا این حد هم دروغ گفت. در نتیجه لااقل قسمتی از آن مطالب دروغ را راست می پندارند و همین اندازه خود برد بزرگی است برای دروغگو و هدف از دروغ گوئی بدست آمده است.

این دستور عمل ضد خلقی فاشیستی را دستگاه تبلیغات رژیم ایران با حرارت و دقت بکار می بندد و اغراق، غلو، دروغ ناب، آرایشگری واقعیت، سفسطه، ادعای بی حد و حساب و امثال این روشها را با بی پروائی مورد استفاده قرار میدهد و از شیوه های نوین تبلیغاتی مانند واژه تراشها و فلسفه بافی های بدون محتوی که آنها «میهمات طلائی» می نامند، استفاده میکند.

استبداد خشن و خونین رژیم بمخالفان وی امکان نمیدهد که در مقیاس وسیع در درون کشور تقلبات تبلیغاتی اش را فاش کنند زیرا «سنگ را بسته و سنگ را گشاده اند» و ترور خونینی علیه هر مخالفی براه میاندازند، لذا رژیم با دستگاه عظیم تبلیغاتی خود یعنی تلوویزیون، مطبوعات، گوش بفرمان، جلسات سخنرانیها و میتینگها، نمایش و فیلم و دیگر وسائل رنگارنگ تبلیغاتی امروزی بدون برخورد با يك مقاومت مؤثر، سرگرم گمراه ساختن افکار عمومی است و البته نمیتوان و نباید خوش بین بود و تصور کرد که بلااستثناء همه قادرند به کشته این شعبده بازیها پی ببرند و یا اینهمه دام گسترها منجر به صید گمراهانی چند نمیشود.

بودجه کشور بمیزان معتابهی صرف تبلیغات خارجی و داخلی میگردد و با این بودجه سنگین رژیم میکوشد همه استعدادهاى ممکن را که در دسترس او قرار گیرند به سود هدفهای تبلیغی خود، آماده کند و پرورش دهد و گروهی از روشنفکران خود فروخته که فصاحت و بلاغت و اطلاعات خود را مانند «دری که در پای خوگان ریخته میشود» در خدمت وی میگنجانند بوجود آورد.

رژیم برای بخش ادعاهای اغراق آمیز در باره انقلاب «شاه و مردم»، برای تملق گوئی های تهوع آور و قرون وسطائی از شاه و خاندان سلطنتی سالانه میلیونها میلیونها دلار بجاه ویل میریزد و از دسترنج مردم برای تحمیل افکار عمومی نه فقط در مقیاس کشور بلکه در مقیاس جهان گستاخانه استفاده میکند.

شخص شاه خود از معتقدان پر و پا قرص این شیوه گبلسی تبلیغات است و به گفتن دروغهای گستاخانه و توسل به لافها و گزافهای عجیب و غریب عادت دارد و بالا ترین سرمشق ها را خود او بدست جارچیان رژیم میدهد. در این زمینه نمونه های فراوانی میشود ذکر کرد و ما از اینهمه نمونه ها،

تنها به يك نمونه اکتفا میکنیم. شاه بیش از دهسال پیش این سخنان «داهبان» را درباره امپریالیسم و استعمار گفته است: «امروز دیگر امپریالیسم و استعمار بمعنائی که سابقاً وجود داشت از بین رفته و جزء خطاطرات گذشته شده است و اکنون دنیا آخرین بقایای آنرا تشییع میکند... امپریالیسم و استعمار دیگر وجود خارجی ندارد. این افسانه ایست که با گذشت زمان فراموش میشود.»

موافق این گفته شاه حد اقل دهسال است که دیگر امپریالیسم و استعمار وجود خارجی ندارد و افسانه فراموش شده ایست. ولی دکتر رضا فلاح امضاءکننده پیش نویس قرار داد جدید نفت چندین پیش (اطلاعات ۳ تیر ماه ۱۳۵۲) چنین گفت: «منافع کنسر-سیوم با منافع ایران يك جهت نبود و کنسر-سیوم از هر اقدامی که سرمایه گذاری قابل توجهی را اقتضا میکرد طفره میرفت... از زمان داریسی تا دوره کنسرسیوم همیشه کنترل ذخیره نفت کشور و اتخاذ تصمیم درباره

روشهای بهره برداری صرفاً توسط دارنده امتیاز و خارج از کشور صورت میگرفت.» توصیف رساتری از استعمار در نمونه ایران نمیتوان داد. این مطالب را سنسنگوی مورخ اعضاء شاه میگوید و غارتگری استعماری هفتاد ساله انحصارهای امپریالیستی نفت را مورد تصریح قرار میدهد. البته نمی افزاید که قرار داد باصطلاح انقلابی جدید همین غارتگری را در پرده دیگری حفظ میکند ولی همین گواهی برای نشان دادن دروغ شاه در باره آنکه گویا امپریالیسم دیگر افسانه ای بیش نیست، کافی است.

با مثلاً شاه در گذشته گفته است: «از لحاظ مادی در مدت سلطنت خودم هر چه داشتم در اختیار ملت خویش گذاشتم. من پادشاه تهیدستی هستم.» و نیز زمانی به امیر اسدالله علم وزیر دربار خود چنین گفته است: «زندگی من زندگی بسیار ساده ایست و آنچه دارم متعلق بملت ایران است.»

این را شاهی میگوید که خود از اعضاء «کلوب بین المللی میلیاردر هاست» و خانواده اش بزرگترین زمینداران و سرمایه داران کشورند و دارای صدها میلیون ذخیره بانکی و انواع کارخانه و هتلها و ویلاها و کاباره ها و کاخهای عالی و نفثکش ها در داخل و خارج از کشور است. این دروغ پرداز بجای آنکه بگوید «آنچه ملت ایران دارد متعلق بمن است» میگوید: «آنچه من دارم متعلق بملت ایران است!»

تبلیغات رژیم الگو برداری کامل از تبلیغات امپریالیستی و اشباع از محتوی ضد کمونیستی خشن و درخمسانه است. مضمون اساسی این تبلیغات ضد کمونیستی حمله دائمی کین جوینانه و کف برلب به حزب توده ایران دنباله در صفحه ۲

## دوستی با شوروی - شعار مردم ویت نام

«ما کمونیست هستیم و کمونیست خواهیم ماند و همیشه با استواری در کنار اتحاد شوروی و در کشورهای سوسیالیستی خواهیم ایستاد... ما همه مساعی خود را بکار خواهیم برد تا دوستی با اتحاد شوروی را مانند مردمک دیدگان خود حفظ نمایم.»

از نطق رفیق فام وان دونگ نخست وزیر جمهوری دموکراتیک ویت نام در شهر برلین دموکراتیک ۲۲ اکتبر ۱۹۷۳

## ماهنامه مردم در «گوی آزادی ملت ها»

ایرانی و قهرمان ملی ایران خسرو روزبه ونیز برخی اشیاء ساخت کارگران و زحمتکشان کشور ما آراسته شده بود. برای آگاهی بازدید کنندگان، نشریات و جزواتی بزبان فرانسه در افشاکگری از رژیم ترور و اختناق، دفاع از زندانیان سیاسی و نقش ایران بمثابه ژاندارم خلیج فارس در اختیار آنان قرار گرفت.

همه ساله در ماه سپتامبر روزنامه اومانیته ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه میهمانداروزنامه های ارگان بسیاری از احزاب کمونیست و کارگری جهان است. این جشن بزرگ ثمره هزاران هزار ابتکار و حاصل يك کوشش جمعی چشمگیر است. جشن امسال در آستانه پنجاه و سومین سال تأسیس روزنامه اومانیته مانند سالهای پیش در پاریس در «گوی آزادی ملت ها» برگزار شد.

شهری موقتی است که در ساختمان آن همه ساله عده زیادی از کارگران، مهندسان، معماران، نویسندگان، شعرا و هنرمندان داوطلبانه شرکت می ورزند. سر جیش امسال چهل حزب برادر از طریق

ارگانهای مرکزی شان شرکت نمودند و زندگی و مبارزه خلقهای کشور خود را در عرصه دید صدها هزار نفر از مردم فرانسه و میهمانان خارجی شان قرار دادند.

ماهنامه مردم نیز مانند سالهای پیشین با شرکت خود در جشن بزرگ زحمتکشان فرانسه، ریچم مبارزه خلقهای ایران را در کنار سایر خلقهای جهان بر افراشت. غرفه مردم با طرحها و تابلوهای گوناگون بمنظور افشای نقش نو استعمار بدستاری رژیم ایران در خلیج فارس، فشار و اختناق در ایران، معرفی نشریات و رادیوی حزب توده ایران، عکسهای از رهبر زحمتکشان ایران دکتر



کتاب و نشریات حزب توده و از جمله طرح برنامه حزب توده ایران و نشریه «وظائف عملی مبارزان انقلابی» مورد استقبال تماشاگران غرفه ایران قرار گرفت. تصویر هوشنگ تیرابی مبارز قهرمان و قربانی شکنجه های بربر متشانه ساواک در غرفه مردم قرار داشت و بر گردان مقاله ماهنامه مردم در باره زندگي و مبارزه وی میان تماشاگران فرانسوی بخش بازدید کنندگان غرفه مردم علاقه وافر

به شناسایی اوضاع ایران، مبارزه مردم و فعالیت حزب توده ایران نشان میدادند. نشانه این علاقه امضای فراوانی بود که از جانب دنباله در صفحه ۳

